

رستگاری فرعون در قرآن کریم^۱

محمود شیخ^۲

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

با نظر به آیات ۹۰ و ۹۱ یونس، سه تفسیر از مسئله رستگاری فرعون قابل ارائه است؛ نخست: فرعون حقیقتاً ایمان آورد و رستگار شد؛ دوم: فرعون ایمان آورد، اما ایمان آوردنش موجب رستگاری او نشد و سوم: فرعون تنها اظهار ایمان کرد و ایمانش حقیقی یا کامل یا اصیل نبود. تفسیر نخست از آن ابن عربی است و منتقدان او، اعتقاد به رستگاری فرعون را از روشن‌ترین موارد عرف-ستیزی او دانسته‌اند. در قرآن شواهدی مبنی بر معذب بود فرعون در آخرت وجود دارد که انکار آن‌ها دشوار است مانند: دعای موسی برای رستگار نشدن فرعون و اطرافیان و اجابت دعای او، وجود صفاتی بسیار منفی و گاه با دلالت ثبات برای فرعون در قرآن، دلالت واژگانی و عبارتی آیات عذاب فرعون، بر عذاب دنیوی و اخروی او. هم‌چنین اجماع مفسران مسلمان و صوفیان و نیز وجود روایات و آثار صحابه مبنی بر رستگار نبودن فرعون و مرگش بر کفر نشان می‌دهد که پیشینیان از آیات قرآن به هیچ وجه ایمان فرعون را استنباط نمی‌کرده‌اند، ضمن آن‌که حتی سخنان خود ابن عربی نیز در این باره متعارض است. تفسیر سوم نیز به دلیل صراحت آیه ایمان فرعون بر ایمان آوردن او و تأییدش با عبارت «الآن و قد عصیت من قبل» قابل پذیرش نیست، در حالی که تفسیر دوم به دلیل پذیرش ایمان فرعون اما سودبخش نبودن ایمانش برای رستگاری او به دلیل آیاتی که ایمان در لحظه نزول عذاب را سودبخش نمی‌دانند، پذیرفتنی‌تر و با ظاهر و روح آیات قرآن متناسب‌تر است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تفسیر، تصوف، تفسیر عرفانی، رستگاری فرعون، ابن عربی، ایمان فرعون.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

۲. پست الکترونیک: Ma.sheikh@ut.ac.ir

۱. مقدمه

آیه‌ای از سوره یونس^۱ که در این مقاله آن را آیه ایمان فرعون نام نهاده‌ایم، یکی از مسائل بحث‌برانگیز در سنت اسلامی را پدید آورده‌اند. این مسئله، ایمان فرعون و به تبع آن اعتقاد به رستگاری نجات فرعون است. موضوع این نوشتار رستگاری و نجات فرعون است، نه ایمان او و مراد ما از رستگاری و نجات، بهستی بودن و دوزخی نبودن است. در این مقاله نشان می‌دهیم که سه تفسیر از این آیات و مسئله نجات و رستگاری فرعون قابل طرح است و عملاً مفسران مسلمان به هر سه نظر پرداخته‌اند. ابن عربی و اتباع او تفسیر نخست، یعنی حقیقی بودن ایمان فرعون و نجات اخروی او را پذیرفته‌اند. دو تفسیر دیگر یکی آن است که فرعون ایمان آورد اما ایمانش سودبخش نبود و منجر به رستگاری او نشد و دیگری آن است که اساساً اظهار ایمان فرعون حقیقی نبود یا آن‌که ایمانش تقلیدی یا آن‌که کامل نبود. هدف این مقاله بررسی تفسیر مناسب‌تر و هم‌خوان با قرآن کریم از میان سه تفسیر است، اما این بررسی عملاً با ارزیابی مدعای ابن عربی همراه است. ظاهر آیات قرآن بر دوزخی بودن فرعون در قیامت تمایل دارد و شاهد دال بر معذب بودن بیشتر از شواهد دال بر نجات اوست.

۲. پیشینه تحقیق

در آثار زیادی درباره نظریه ابن عربی در باب ایمان فرعون بحث شده است، اما چنان‌که اشاره کردیم موضوع این مقاله بررسی مسئله رستگاری فرعون است و چون رستگاری فرعون با ایمان او مرتبط است، عملاً آثار موجود درباره ایمان فرعون، با این تحقیق ارتباط می‌یابند. نکته دیگر آن‌که در این مقاله بر مغایرت یا عدم مغایرت تفاسیر ممکن از رستگاری فرعون، با ظاهر و روح قرآن سنجیده می‌شود درحالی‌که اغلب آثار گذشته با تکیه بر پیش‌انگاره‌های الهیاتی به نقد و ستیز با ابن عربی روی آورده‌اند.

عبدالوهاب شعرانی (۸۹۸-۹۷۳ق) در *الیواقیت و الجواهر*، فصلی را به مسئله ایمان فرعون در نظر ابن عربی اختصاص می‌دهد و به‌رغم کلمات صریح ابن عربی در فصوص و

۱. «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكُهُ الْفِرْقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتَ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ [یونس: ۹۰-۹۱]»

فتوحات، با استناد به سخنانی متعارض با این سخنان در فتوحات که در آن ابن عربی بر دوزخی بودن فرعون تأکید دارد، دامان ابن عربی را از این تهمت پاک تلقی می‌کند. در مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های عبدالوهاب شعرانی درباره آرای محیی‌الدین بن عربی» به این دفاعیه، بدون تحلیل و بررسی، اجمالاً اشاره شده است.^۱ مدعای شعرانی درباره اعتقاد ابن عربی به دوزخی بودن فرعون در فتوحات کاملاً صحیح است و سخن ابن عربی در آن مقام بسیار صریح است؛ اما مسئله این جاست که در همین کتاب فتوحات و در کتاب فصوص نیز سخن ابن عربی در نجات فرعون بسیار صریح است. شعرانی پس از این مطلب، سخنی عجیب را از قول شیخ الإسلام الخالدی مطرح می‌کند به این مضمون که بسیاری از پیشینیان بنا بر آیه «أَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ [یونس: ۹۰]» به قبول ایمان فرعون مایل بوده‌اند و سپس به سخن باقلانی اشاره می‌کند که قبول ایمان فرعون از حیث استدلال قوی‌تر است و نصی صریح که حاکی از کفر او در هنگامه مرگ باشد، به دست ما نرسیده است. سپس شعرانی می‌گوید که دلیل جمهور سلف و خلف بر موت فرعون بر کفر ایمان آوردن او در حال یأس است و ایمان اهل یأس مقبول نیست.^۲

دو رساله در رد ایمان فرعون به ابن کمال پاشا نسبت داده‌اند که متأسفانه در دسترس نگارنده نبود، اما قاعدتاً با توجه به رویکرد کلامی او، صبغه رساله کلامی است. یکی از این رساله‌ها در رد رساله علامه جلال‌الدین الدوانی، در ایمان فرعون نوشته شده است.^۳ جالب آن‌که قاضی نورالله شوشتری، از علمای شیعه، نیز رساله‌ای دارد در رد همین رساله علامه دوانی با عنوان «الرد علی ایمان فرعون».^۴ متأسفانه هیچ‌کدام از این رساله‌ها در دسترس ولی مشخص است که نحوه ورود آن‌ها به مسئله ایمان فرعون با این مقاله متفاوت است.

۱. اشرف امامی، علی و محسن شرفایی مرغکی، «دیدگاه‌های عبدالوهاب شعرانی درباره آراء محیی‌الدین ابن عربی»، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، بهار و تابستان، شماره ۸۸ علمی-پژوهشی، ۱۳۹۱ش، صص ۹-۳۰.
 ۲. شعرانی، عبدالوهاب، البیواقیة و الجواهر فی بیان عقاید الاکابر و باسفله الکبریت الاحمر فی بیان علوم الشیخ‌الاکبر، بیروت، دار احیاء التراث العربی و موسسه تاریخ العربی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۳.
 ۳. ابن کمال پاشا، احمد بن سلیمان، خمس رسائل فی الفرق و المذاهب، محقق: سید باغجوان، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۵ق، ص ۴۸.
 ۴. آقاییزگ طهرانی، محمدمحسن، مصنفات شیعه: ترجمه و تلخیص الذریعه الی تصانیف الشیعه، به اهتمام محمد آصف فکرت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۶۰.

هدف ما در این مقاله تحلیل سخن ابن عربی و ارزیابی استدلال او در تطبیق با ظاهر نص شریف است و از این حیث با این مقالات تفاوت دارد.

ابوعزیز در کتاب *الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفاسیر* نظر ابن عربی درباره ایمان فرعون را بنا به روایت فتوحات مطرح می‌کند و پس از آن رد علما بر سخن ابن عربی را بدون تحلیل بیان می‌دارد. از جمله سخن آلوسی را که از قول ابن حجر گفته: «إن بعض فقهاءنا کفر من ذهب إلى إيمان فرعون... و بالجمله ظواهر الآی صریحة فی کفر فرعون و عدم قبول ایمانه». پس از این، ابوعزیز آیات ۳۹ و ۴۰ عنکبوت که در آن‌ها سخن از استکبار فرعون و قارون و هامان و عذاب آن‌ها از جمله غرق شدن است، آمده را به‌عنوان شواهد خود نقل می‌کند. این در حالی است که ابن عربی منکر عذاب فرعون نیست و خود او در فتوحات و فصوص به این آیات اشاره کرده است.^۱

میرزای قمی نیز در رساله‌ای با عنوان «رسالة فرعونیه» به مدعای ابن عربی پرداخته است.^۲ در روش بنیان قضاوت میرزای قمی درباره رأی ابن عربی در باب ایمان فرعون بر روایات و احادیث پیامبر و امامان شیعه بنا شده است، در صورتی که ما در این نوشتار به روایات از آن حیث توجه داریم که نشانه‌ای از اجماع پیشوایان دین و صحابه در این مسئله است و اساس تحلیل‌هایمان بر آیات قرآن کریم نهاده شده است. تمایز دیگر این نوشته با رساله میرزای قمی در لحن رساله است، میرزا از موضع فقیهی متکلم با قصد محکوم کردن ابن عربی و اثبات کفر او سخن می‌گوید و پیداست که پیش از ورود به بحث، الحاد ابن عربی را مسلم دانسته است، در حالی که در این نوشتار ما کوشیده‌ایم تا بدون جانبداری و با استفاده از روشی علمی درباره مغایرت نظر او با ظاهر نص شریف قضاوت کنیم. نوآوری این مقاله اولاً در احصای تفاسیر سه‌گانه از آیه ایمان فرعون و مسئله رستگاری اوست و ثانیاً در تحلیل و ارزیابی جزئیات هر یک از این تفاسیر و سنجش آن با ظاهر و روح قرآن کریم.

۱. ابوعزیز، سعد یوسف، *الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفاسیر قدیماً و جدیداً*، قاهره، المكتبة التوفیقیة، بی‌تا، صص ۱۴۵-۱۴۷.

۲. میرزای قمی، ابوالقاسم بن حسن گیلانی، سه رساله در نقد عرفان، تصحیح حسین لطیفی و سید علی جبار گل‌باغی ماسوله، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.

۳. روش‌شناسی

ما در این مقاله مسئله رستگاری فرعون را با چارچوب‌های نظری و جهان‌شناختی منکران یا قائلانِ بدان نمی‌سنجیم و نمی‌کوشیم موارد تطبیق یا عدم تطبیق تفسیری خاص را با مبانی فکری مفسرش نشان دهیم. هم‌چنین بنا نداریم با تکیه بر سنت تفسیری (عرفانی یا کلامی یا فلسفی و ...) انطباق یا عدم انطباق نظرات را با آن سنت بسنجیم. هم‌چنین بنا نداریم با تکیه بر احادیث و روایات بطلان یا عدم بطلان تفاسیر ممکن را بررسی و ارزیابی کنیم یا آن‌که با تکیه بر یکی نظام‌های کلامی، مانند اشعریه یا شیعه یا ماتریدیه درباره هر یک از این تفاسیر ممکن از مسئله رستگاری فرعون سخن بگوییم. برای رسیدن به نتیجه‌ای مبتنی بر قرآن، رفتن به سراغ نظام‌های فکری و عقیدتی کاری بی‌حاصل است، چون آن‌ها بر ساز خویش می‌دمند و هر یک قرآن را با تکیه بر اصول خویش درمی‌یابند؛ رفتن به سراغ روایات، اگرچه برای رسیدن به یک نظر تفسیری مفید است، اما برای قضاوت درباره این‌که آیا آن تفسیر خاص با ظاهر آیات مغایرت دارد یا خیر، تنها راه، مراجعه به خود آیات است. البته ما در این مقاله به‌صورتی گذرا به روایات وارد شده در این موضوع پرداخته‌ایم، اما این روایات برای ما نشانه‌ای است از اجماع فرهیختگان و پیشوایان دین اسلام در فهم مسئله ایمان فرعون و این امر خود نشانه‌ای از دلالت ظاهر نص قرآن برای آنان است. روش ما در ارزیابی تفاسیر ممکن از مسئله رستگاری فرعون، مواجهه عقلانی با استدلال‌های موجود بنا بر گزاره‌های قرآنی است و در این جهت، تنها منبع مراجعه ما قرآن بوده است و به روایات، هیچ مراجعه‌ای نداشته‌ایم. از این نظر در ارزیابی و نقد این مسئله نه رویکرد شهودی و تأویلی را برگزیده‌ایم و نه به سراغ نظام‌های فکری مفسران و انطباق یا عدم انطباق مدعیاتشان درباره نجات فرعون با چارچوب معرفتی‌شان رفته‌ایم؛ تنها و تنها قرآن را با تکیه بر تحلیل عقلانی مورد واکاوی قرار داده‌ایم.

۴. بررسی تفاسیر ممکن از رستگاری فرعون

چنان‌که در مقدمه گفته شد، می‌توان سه تفسیر از آیه ایمان فرعون ارائه کرد و عملاً در متون تفسیری هر سه تفسیر منعکس شده‌اند. نخستین تفسیر، رستگاری او بر مبنای ایمانش را می‌پذیرد، اما دو تفسیر دیگر رستگاری فرعون را نمی‌پذیرند. تفاوت تفسیر دوم و سوم

در مسئله ایمان آوردن فرعون است. تفسیر دوم ایمان آوردن فرعون را می‌پذیرد اما آن را سودبخش و نافع برای رستگاری او نمی‌داند، اما در تفسیر سوم اساساً ایمان فرعون به دلیل حقیقی نبودن یا کامل نبودن یا تقلیدی بودن پذیرفته نیست. در این بخش به معرفی اجمالی این سه تفسیر می‌پردازیم و در بخش بعد این سه تفسیر را ارزیابی می‌کنیم تا به تفسیر متناسب‌تر با روح آیات قرآن دست یابیم.

۴. ۱. تفسیر نخست: فرعون ایمان آورد و رستگار شد.

این نظر از آن ابن عربی و اتباع اوست. او در *فصوص الحکم* و *فتوحات مکیه*، به مناسبت‌های مختلف از ایمان فرعون در هنگام مشاهده مرگ یاد می‌کند و معتقد است که بنا بر آیات قرآن فرعون مؤمن و طاهر از دنیا رفته است. به عقیده او اظهار ایمان فرعون بنا بر «آمنت الذی آمنت به بنو اسرائیل» حقیقی بوده است و خداوند آن را با آیه «الآن و قد عصیت من قبل» تأیید کرده است و در قرآن آیه‌ای که صریحاً فرعون را دوزخی بخواند وجود ندارد. ابن عربی در چند جا از آثارش درباره فرعون سخن گفته است که مهم‌ترین آن، *فص موسوی* است. سخنان ابن عربی درباره فرعون گاه ناظر بر ایمان او و گاه به نحوه نگاه فرعون به خداوند و عمق فهم او در خداشناسی و گاه در نقد کبرایی اوست. محور سخن وی در مسئله ایمان فرعون و عذاب نشدن او در آخرت، تفسیر آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره یونس است. استدلال ابن عربی چنین است: فرعون ایمان آورد و هر ایمان آورنده‌ای رستگار است، بنابراین فرعون رستگار است. متکلمان و فقیهان این سخنان ابن عربی را در تعارض با ظاهر نص تلقی و بر همین اساس بر کفر ابن عربی حکم کرده‌اند.

استدلال ابن عربی بر ایمان فرعون مبتنی بر صغرا و کبرایی قرآنی است. صغرای استدلال آن است که فرعون به خداوند ایمان آورد و کبرا آن‌که هر ایمان آورنده‌ای رستگار، و نتیجه آن‌که فرعون رستگار است. ابن عربی با اتکا بر همین استدلال معتقد است که چون فرعون بلافاصله پس از ایمان آوردن بدون ارتکاب گناهی دیگر می‌میرد، پاک و مطهر از دنیا رفته است. چنان‌که ملاحظه شد ابن عربی صغرای استدلال خود را با دو استدلال مشابه برگرفته از قرآن مستحکم می‌کند:

یک. صغری: فرعون در آخرین لحظات از رحمت خداوند مأیوس نشده است؛ کبری:

بنا بر کریمه «فَإِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»، تنها کافران از رحمت مأیوس می‌شوند؛ بنابراین فرعون اگر از مأیوسان بود، ایمان نمی‌آورد. لذا کافر از دنیا نرفته است و خداوند او را آیتی از رحمت خود قرار داده است.^۱

دو. صغری: فرعون در حال اضطراب یعنی مرگ اظهار ایمان کرد؛ کبری: خدا دعای مضطر را اجابت می‌کند؛ بنابراین ایمان فرعون مورد اجابت حق است. رحمت حق، در نظر ابن عربی عظیم‌تر از آن است که ایمان مضطر را، در حالی که خود گفته است «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ [نمل: ۶۲]»، نپذیرد و می‌داند که اضطرابی بزرگ‌تر از اضطراب فرعون در حال غرق نبوده است؛ بنا بر آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ...» مضطر چون خدا را بخواند دعایش مقرون به اجابت است و حق سوء را از او کشف می‌کند.^۲

۴. ۲. تفسیر دوم: فرعون ایمان آورد اما ایمانش سودبخش نبود و موجب رستگاری او نشد.

اغلب مفسران رسمی به خلاف ابن عربی نپذیرفته‌اند که «هر ایمان آورنده‌ای رستگار است» بلکه به اعتقاد آنان بر مبنای آیات قرآن «بعضی از ایمان‌آوردگان رستگارند». مستند آنان آیتی از قرآن است که ایمان آوردن در لحظه نزول عذاب را بی‌فایده می‌خواند و از آن جمله است آیه ۹۸ سوره یونس است که بر مبنای آن، جز قوم یونس ایمان‌آوردگانی که در هنگام نزول عذاب ایمان بیاورند، رستگار نیستند^۳ یا آیتی از سوره غافر که نفع نداشتن ایمان در هنگامه دیدن عذاب را سنت خداوند می‌خواند.^۴

۱. ابن عربی، فصوص الحکم، تصحیح و تعلیقات ابوالعلاء عقیفی، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۵ش، ص ۲۰۱.

۲. همو، فتوحات المکیة، بیروت، دار صادر، ج ۲، ص ۲۷۳.

۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، اعداد مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، صص ۲۹۵-۲۹۸.

۴. فُلُوْا لَا كَانَتْ قَرِيْبَةً فَنَفَعَهَا اِيْمَانُهَا اِلَّا قَوْمٌ يُّؤْنَسُ لَمَّا اَمَنُوْا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ اِلَى حِيْنٍ [يونس: ۹۸] و نیز: فَلَمَّا رَاَوْا بَاْسَنَا قَالُوْا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَحَدُّهُ وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهٖ مُّشْرِكِيْنَ ۝ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ اِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَاَوْا بَاْسَنَا سُنَّتَ اللّٰهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُوْنَ [غافر: ۸۴-۸۵].

۴. ۳. تفسیر سوم: فرعون اظهار ایمان کرد، اما ایمانش حقیقی یا کامل یا اصیل نبود. یکی دیگر از تفاسیر محتمل بر آیه ایمان فرعون آن است که فرعون اظهار ایمان کرده است اما چون اظهار ایمان او حقیقت نداشته یا آن که کامل و دقیق نبوده یا آن که تقلیدی بوده است، موجب نجات او نشده است. مستند آنان ابهام در موضوع ایمان فرعون در عبارت «أَمِنْتُ أَنَّهُ لَأِ إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بُنُو إِسْرَائِيلَ» و عدم اظهار ایمان به پیامبر عصرش است.

۵. بررسی تفاسیر سه گانه

برای بررسی این سه تفسیر باید سه مدعای اساسی ارزیابی شود: (۱) مدعای رستگاری فرعون که وجه تمایز تفسیر نخست از دو تفسیر بعدی است، (۲) مدعای نافع نبودن ایمان فرعون که وجه تمایز آن از دو تفسیر دیگر است و (۳) مدعای حقیقی نبودن یا تقلیدی نبودن یا کامل نبودن ایمان فرعون که وجه تمایز تفسیر سوم از دو تفسیر دیگر است.

۵. ۱. بررسی رستگاری (معذب بودن یا نبودن) فرعون در قرآن

اگر بتوان در قرآن مستندی مبنی بر عذاب اخروی فرعون یافت، آنگاه تفسیر نخست که مدعای اصلی اش نجات فرعون است، به کلی رد خواهد شد و باید نتیجه گرفت که یا اظهار ایمان فرعون حقیقی نبوده (تفسیر سوم) یا آن که لزوماً هر ایمانی رهایی و رستگاری را در پی ندارد (تفسیر دوم). توجه به این نکته ضروری است که عذاب دنیوی فرعون بنابر آیات قرآن قطعی است و ابن عربی نیز آن را می پذیرد، اما از آنجاکه ابن عربی عذاب دنیوی را دلیلی بر عذاب اخروی و عدم رستگاری نمی داند، لازم است مسئله معذب بودن فرعون در آخرت را بررسی کرد.

بررسی آیات عذاب درباره فرعون و اطرافیان نشان می دهد که اگرچه تفسیر نخست از آیه ایمان فرعون با ظاهر قرآن مغایرت ندارد، اما با روح آیات قرآن و سیاق آیات سوره یونس متناسب نیست و به همین جهت نمی توان آن را تفسیری مناسب دانست و چنان که نشان خواهیم داد گرچه ابن عربی می کوشد با استفاده از تحلیل های لغوی و نحوی، عذاب اخروی مردود بداند، اما ظهور کلماتی چون نکال و اخذ و نیز دعای موسی بر رستگار نشدن فرعون و استجاب آن دعا به تصریح قرآن این تفسیر را تضعیف می کند.

۵. ۱. ۱. دوزخی بودن فرعون در قرآن

بررسی آیات نشان می‌دهد که در قرآن ۶۶ بار از فرعون و ملاً، آل و قوم او استفاده شده است. از مجموع آیات برمی‌آید که قوم و آل فرعون، به‌ویژه اشراف و اطرافیان او نیز به اندازه او در ظلم و تعدی مجرم بوده‌اند و موسی و هارون به همان میزانی که رسول بر فرعون بوده‌اند بر قوم او نیز رسالت داشته‌اند [قمر: ۴۱؛ شعرا: ۱۰-۱۱]. آیاتی که به نحوی بر عذاب اخروی فرعون دلالت دارند، عبارت‌اند از:

یک. آیات ۹۷ تا ۹۹ سوره مبارکه هود تصریح دارد بر آن‌که فرعون در روز قیامت پیشاپیش قومش در آتش وارد می‌شود و لعنت در دنیا و عذاب در آخرت برای اوست: «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآئِهِ فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ. يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بئسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ. وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بئسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ». این آیه را ابن عربی چنین می‌فهمد که فرعون در روز قیامت پیشاپیش قومش است، اما این امر به معنا ورود او با آن‌ها به آتش نیست، بلکه ضمیر «هم» در «فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ» به قرینه «أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ [غافر: ۴۶]» تنها به قومش راجع است.^۱ گرچه این امر دور از ذهن است، اما از آن‌جا که مخالف قواعد نحوی نیست، نمی‌توان در آن اشکال کرد.

ابن عربی در جلد دوم فتوحات در ذیل «فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ» می‌گوید که این آیه در داخل شدن فرعون به همراه قومش در آتش صراحت ندارد و خداوند گفته‌است: «أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ» و نگفته‌است «أَدْخِلُوا فرعون و آله». فرعون خالصانه به خدا ایمان آورد؛ بنابراین او خدا را در حال بقای در دنیا از ترس عوارض نخواند و چیزی میان او و اخلاصش حائل نشده بود. در حقیقت، اعتقاد ابن عربی بر این است که خداوند برای فرعون لقاء الله را بر بقا ترجیح داد و غرق را «نَكَالَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى» وی قرار داد و عذابش چیزی بیشتر از اندوه آب تلخ و شور نبود.^۲

۱. ابن عربی، رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، تحقیق محمود محمود غراب، دمشق، مطبعة نضر،

۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۸.

۲. ابن عربی، فتوحات المکیه، ج ۲، ص ۲۷۳.

۵. ۱. ۲. صفات بسیار منفی فرعون در قرآن

در آیاتی هم چون ۸۳ یونس، ۹۷ هود، ۴ قصص، و ۳۹ عنکبوت، برتری جویی و استعلاء، طغیان، دوری از رشد، فساد، استکبار و اسراف به فرعون نسبت داده شده است. این استکبار تا حدی است که او ادعای خدایی می‌کند و خداوند نیز در ادامه کلام خود می‌فرماید: «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرِقَةِ وَالْأُولَى [نازعات: ۲۵]». قوم او نیز به واسطه گمراه شدن توسط او بنا بر آیه ۷۹ طه (وَ أَضَلَّ فِرْعَوْنَ قَوْمَهُ وَ مَا هَدَى) به اشد عذاب واصل می‌شوند: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ [غافر: ۴۶]». هم‌چنین در قرآن، آن‌گاه که از برگرفتن موسی از آب سخن گفته می‌شود، آمده است: «يَأْخُذُهُ عَدُوٌّ لِي وَ عَدُوٌّ لَهُ [طه: ۳۹]». بنابر لغت عرب، واژه «عدو» صفت مشابهه است و چون صفت مشابهه دلالت بر ثبوت دارد این آیه بر ثبوت صفت عداوت فرعون با خداوند و رسولش (موسی) دلالت دارد و به قول علما ثبوت یکی از این دو عداوت برای نگون‌بختی و بی‌فایده بودن اظهار ایمان کافی است.^۱

۵. ۱. ۳. نکال و اخذ فرعون در قرآن

علاوه بر آیه «فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ»، در دو آیه «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرِقَةِ وَالْأُولَى [نازعات: ۲۵]» و «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً [مزمّل: ۱۶]»، از عذاب فرعون در دنیا و آخرت سخن گفته شده است. ابن عربی در این موارد با تفکیک عذاب اخروی و دنیوی و نیز برخی دقت‌های لغوی نامأنوس، نکال و اخذ را دنیوی می‌خواند. درباره این دو آیه و تصریح یا عدم تصریحشان بر عذاب اخروی فرعون باید به نکات زیر توجه کرد:

یک. واژه «نکال» از ریشه «نکـل»، مصدر باب تفعیل و آن را برحذر داشتن دیگران از کاری^۲ معنا کرده‌اند، چنان‌که نکل از همین ریشه در معنای زنجیر و لگام حیوان است که

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ابراهیم شمس‌الدین، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۴۴.
 ۲. رازی، زین‌الدین محمد بن ابی بکر، معجم مختار الصحاح، محمد نبیل طریفی، بیروت، دار صادر، ۱۴۲۹ق، نکل؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۹۹۵م، نکل؛ ابن فارس، احمد، مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الإعلام الإسلامی،

حیوان را از کار و حرکت باز می‌دارد و جمعش اُنْكَال، به معنای غل و زنجیرهای دوزخیان در آیه «إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَ جَحِيمًا [مزمل: ۱۲]» آمده است. از واژه نکال یک بار در سوره بقره و یک بار هم در سوره مائده استفاده شده است و در هر دو مورد مفهوم عقوبت و تحذیر در آن نهاده شده است. در سوره بقره پس از بیان قصه مسخ اسرائیلی‌های متجاوز به روز شنبه، خداوند فرموده: «فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا [بقره: ۶۶]». در سوره مائده هم در حکم سارق آمده است: «وَالسَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [مائده: ۳۸]». مقاتل بن سلیمان نیز «نکالاً من الله» را «عقوبه من الله» معنا کرده است.^۱

چنان‌که گفته شد ابن عربی موافقت دارد که تنبیه فرعون در دنیا عذاب غرق بود اما عذاب اخروی را منتفی می‌دانست و نکال آخرت را برای فرعون، آیت رحمت خداوند بودن او در آخرت تلقی می‌کند، حال آن‌که نمی‌توان واژه نکال را از معنای تحذیر دیگران خالی کرد و قاعدتاً خداوند باید دیگران را به ایمان آوردن تشویق کند و استفاده از واژه نکال برای کسی که با ایمان، پاک و مطهر از دنیا رخت بر بسته، صحیح نیست و بهتر بود خداوند در صورت نجات اخروی فرعون در عین عذاب دنیوی‌اش به جای نکال که در بطنش معنی تحذیر دیگران و تنبیه فرد نهفته است، از واژه‌ای دیگر بهره می‌برد.

دو. درباره آیه «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً [مزمل: ۱۶]» نیز گرچه واژه أخذ که را در لغت عرب به معنای گرفتن است و در قرآن (در نزدیک به ۸۰ مورد) برای نشان دادن عذاب الهی به کار رفت است،^۲ می‌توان تنها در معنای عذاب دنیوی دانست، اما باید توجه کرد که آمدن کلمه «وبیلاً» پس از آن این احتمال را تضعیف می‌کند، زیرا این کلمه، از ریشه «وبل»، دلالت بر شدت می‌کند و لزومی ندارد خداوند در صورت رفع

مرکز النشر، ۱۴۰۴ق، نکل.

۱. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: شحاته، عبدالله محمود، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲. مانند «فَأَخَذْتَهُمُ الصَّاعِقَةُ [یونس: ۸۸-۸۹]» یا «فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ [اعراف: ۷۸ و ۹۱ و اعراف: ۱۵۵]» یا «فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ [انعام: ۴۲]؛ فَأَخَذْنَاهُم بِغَنَّةٍ [انعام: ۴۴ و اعراف: ۹۵] فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ» یا «فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ [آل عمران: ۱۱ و مؤمن: ۲۱]».

عذاب اخروی از فرعون، اخذ او را اخذ شدید بخواند. در معنای ریشه «و.ب.ل» گفته‌اند: «بدلٌ علی شدة فی شیء و تجمع»، و بیل به معنای «الضرب الشدید» است و قریب به اتفاق مفسران اخذاً و بیلاً را به شدید، ثقیل، غلیظ و مانند آن معنا کرده‌اند^۱ و بعید است که خداوند تنها برای عذاب دنیوی از این قید استفاده کند و قاعدتاً توصیف اخذ فرعون به کلمه و بیل نشان از عذاب دنیا و آخرت با هم دارد.

۵. ۱. ۴. سیاق آیات سوره یونس

سیاق آیات سوره یونس که در آن آیه ایمان فرعون آمده است، به گونه‌ای است که گویا می‌خواهد از این شبهه که فرعون رستگار شده است جلوگیری کند. مهم‌ترین شواهد این مدعا چنین‌اند:

۱. دعای موسی برای عذاب فرعون و اجابت دعای او: بنابر آیات پیش از آیه ایمان فرعون، موسی از خداوند می‌خواهد که دل‌های فرعون و درباریان‌ش را سخت کند تا آن‌ها ایمان نیاورند، تا آن‌که عذاب الهی را ببینند^۲ و گویا ایمان نیاوردن فرعون تا لحظه نزول عذاب، استجابت همین دعای موسی بوده است. البته قاعدتاً این عذاب به قرینه صفت الیم و نیز عبارت «وَأَشَدُّ عَلٰی قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» در متن دعای موسی هم عذاب دنیوی بوده باشد و هم عذاب اخروی. این دعا نیز به تصریح قرآن با عبارت «قَالَ قَدْ

۱. مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص ۴۷۷؛ ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، شارح: ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۳۹۷، ۴۲۲؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹، ص ۸۶؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: عاملی، احمد حبیب، مقدمه‌نویس: آقا بزرگ الطهرانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۶۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران، ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۵۷۳؛ زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوال فی وجوه التأویل، تصحیح: مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۴۱؛ طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، مصحح: ابوالقاسم گرجی، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۸۶.

۲. وَ قَالَ مُوسٰی رَبَّنَا اِنَّكَ اَتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَاةَ زَيْنَةً وَ اَمْوَالًا فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا رَبَّنَا لِیُضِلُّوْا عَنْ سَبِیْلِکَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلٰی اَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلٰی قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتَّىٰ یَرَوْا الْعَذَابَ الْاَلِیْمَ [یونس: ۸۸].

أُجِيبَتْ دَعْوَتُهُمَا» اجابت شده است. پس از این آیه بلافاصله از ایمان فرعون در لحظه غرق شدن و ایمان او سخن به میان می‌آید.

۲. در چند آیه بعد از آیه ایمان فرعون چنین آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ، وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ [یونس: ۹۶-۹۷]»، یعنی آن‌ها که سخن خداوند درباره آن‌ها تحقق یافته ایمان نخواهند آورد حتی اگر آیات بسیار برای آن‌ها آورده شود تا آن‌که عذاب الیم را ببینند. قاعداً، با توجه به آیات پیشین، فرعون از مصادیق برجسته چنین افرادی است که علی‌رغم رؤیت آن همه آیات ایمان نیاورد تا آن‌که عذاب او را فراگرفت. این عذاب هم به قرینه وصف الیم، قاعداً هم عذاب دنیوی و هم اخروی باشد. کلمه الیم در متن دعای موسی نیز آمده بود و همین اشتراک نشان می‌دهد که این آیه نیز ناظر به آیه ایمان فرعون است.

۳. بلافاصله پس آیات ۹۶ و ۹۷، در آیه ۹۸ از استثنای ایمان قوم یونس در نافع نبودن ایمان در لحظه نزول عذاب^۱ سخن گفته می‌شود و قاعداً فرعون نیز در زمره کسانی است که ایمانش در لحظه معاینه عذاب برای او سودی نداشته است. (در قسمت بعد درباره این آیه بیشتر سخن خواهیم گفت).

۴. بلافاصله در آیات ۹۹ و ۱۰۰، این گزاره مطرح می‌شود که اگر خدا می‌خواست همه اهل زمین ایمان می‌آوردند و این خطاب با رسول است که آیا تو می‌خواهی مردم را به زور مؤمن سازی؟ سپس می‌گوید جز به اذن خدا برای هیچ کس ایمان آوردن ممکن نیست و خداوند رجس و پلیدی را برای کسانی که خرد خود به کار نمی‌بندند مقرر کرده است.^۲ طبیعتاً یکی از مصادیق این آیه اخیر نیز فرعون است و طبیعتاً اذن الهی به قرائن دیگر بدو تعلق نگرفته تا ایمان بیاورد.

۵. جالب آن‌که در همین سوره یونس، در آیات آغازین، آمده است که چون به انسان گزندى برسد، خداوند را به دعا می‌خواند و چون آن‌گزند از او دور شود، چنان عمل

۱. فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرِيَةً آمَنْتُ فَنَفَعَهَا إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُؤْنَسُ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (یونس: ۹۸)

۲. وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ * وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ (یونس: ۹۹-۱۰۰)

می‌کند که گویا هرگز خدا را برای دفع آن گزند نخوانده است.^۱ در آیه ۲۲ و ۲۳ باز تذکر داده می‌شود که عده‌ای چنان‌اند که در کشتی‌ها تا باد موافق است شادمانند و چون توفان فرا رسد و امواج سهمگین برآید خدا را با اخلاص می‌خوانند، که اگر ما را از این خطر برهانی از سپاسگزاران خواهیم بود، اما چون خدا آن‌ها را می‌رهاند، در زمین سرکشی می‌کنند.^۲ این آیات قاعداً براعت استهلالی باشند بر مطالب بعدی این سوره در عذاب بدکاران و کافران و ایمان آوردن آن‌ها در لحظات سخت معاینه عذاب و این احتمال را نیز پدید می‌آورد که فرعون نیز یکی از این دسته باشد و در صورت نجات از عذاب به زشتی‌های پیشین خویش باز می‌گشته است.

۵. ۱. ۵. اجماع مسلمانان بر رستگار نبودن فرعون

اجماع عالمان مسلمان در قرون نخستین خود می‌تواند نشانه‌ای باشد از دلالت قرآن بر آن مورد اجماع؛ در مورد آیه ایمان فرعون نیز چنین است، پیشینیان ابن عربی از هر مذهب و مسلک تفسیری بر رستگار نبودن فرعون اتفاق نظر داشته‌اند و بررسی غالب آثار تفسیر رسمی و صوفیانه به جای مانده از آن دوران نشان می‌دهد که تقریباً مسلمانان در دوزخی بودن و رستگار نشدن فرعون متفق بوده‌اند، علاوه بر این روایات نبوی و آثار صحابه، فارغ از صحت انتسابشان، نشان می‌دهند که مسلمانان نخستین به هیچ وجه متوجه امکان نجات فرعون نبوده‌اند و در دوزخی بودن او اجماع داشته‌اند.

۱. اتفاق آثار صحابه و روایات فریقین در معذب بودن فرعون: وجود انبوهی از

روایات، فارغ از مسئله صحت روایات و استنادات، نشانه آن است که صحابه و تابعین در کفر فرعون اجماع داشته‌اند و قاعداً این اجماع ریشه در خود متن قرآن نیز دارد. به عبارت

۱. وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَانُ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

۲. هُوَ الَّذِي يُسِرُّكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲) فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعَثْنَاكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳).

دیگر متن قرآن در مجموع به گونه‌ای بوده است که کسی از تابعین سخن از نجات و رستگاری فرعون به میان نیاورده است. یکی از پر استنادترین اشکالات منتقدان ابن عربی به نظریه ایمان فرعون و رستگاری او نیز انبوه روایات و منقولاتی است که در مجامع روایی قریقین درباره دوزخی بودن فرعون و جایگاه او در پایین‌ترین طبقات جهنم است. پر استنادترین این روایات، روایتی نبوی است که برمبنای آن جبرئیل در هنگامه اظهار ایمان، دهان فرعون را از ترس آن‌که بگوید «لا اله الا الله» یا از ترس آن‌که رحمت خداوند او را دریابد، پر از گل (طین) می‌کند: «إن جبرائیل کان یدس فی فم فرعون الطین مخافة أن یقول لا إله إلا الله» یا «مخافة أن تدرکه الرحمة فیغفر له».^۱ در روایاتی دیگر از این واقعه، پس خاک افکندن در دهان فرعون به او می‌گوید: «الآن و قد عصیت من قبل».^۲ بنا بر روایتی مفصل‌تر، جبرئیل تا پیش از نزول آیه «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّه» همواره محزون بوده است و پس از نزول آن مسرور گشته، زیرا پی برده که نافرمانی‌ای از او سر نزده است.^۳ در صورت شیعی این روایت، جبرئیل در پاسخ رسول خدا از علت شادمانی‌اش می‌گوید که در هنگامه اظهار ایمان فرعون، بی‌اذن خداوند مشتی لجن در دهان او افکنده است و به او گفته که «الآن و قد عصیت قبل و کنت من المفسدین» و همواره در هراس بوده که مبادا رحمت خدا فرعون را دریافته باشد تا آن‌که نزول این آیه از جانب حق باعث شده که بیابد که خدا از کرده او راضی بوده است.^۴ گرچه بر این روایات اشکالاتی وارد شده است و با باورهای اسلامی مبنی بر اختیار نداشتن فرشتگان منافات دارد،^۵ اما وجودش و بسامد بالایش در متون تفسیری و روایی نخستین حاکی از اجماعی مسلمانان در باور به رستگار نشدن فرعون دارد. هم‌چنین است اشاره روایات و آثار صحابه به دعای موسی و استجاب آن که پیش از این بدان اشاره شد و ابن عباس نیز حایل شدن میان فرعون و ایمان را نتیجه

۱. طبری، محمد بن جریر، ترجمه تفسیر طبری، تصحیح حبیب یغمایی، تهران، توس، ۱۳۵۶ش، چاپ دوم، ج ۱۱، ص ۱۱۲.

۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، اربد، دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸ م، ج ۳، ص ۴۰۷.

۳. طبری، ترجمه تفسیر طبری، ج ۲، ص ۵۳۲.

۴. میرزای قمی، سه رساله در نقد عرفان، صص ۱۴۴-۱۴۷.

۵. رک. فخر رازی، ج ۱۷، صص ۲۹۵-۲۹۸.

استجاب آن می‌خواند^۱ یا انبوه روایات شیعی که بر جایگاه فرعون در دوزخ^۲ یا علت نجات نیافتن او به سبب استغاثه به موسی و عدم استغاثه‌اش به خداوند اشارت دارند.^۳ روایات بیش از اینهاست و به جهت اختصار به همین میزان بسنده شد. وجود این مقدار روایت از منابع فریقین، نشان از اجماع مسلمانان سده‌های نخستین در دوزخی دانستن فرعون دارد.

۲. اجماع مفسران رسمی از همه مذاهب بر معذب بودن ابن عربی: علاوه بر روایات، اجماع مفسران نخستین در فهم یک آیه قرآن نشانه‌ای است بر دلالت قرآن بر آن موضوع مورد اجماع. در تفاسیر پیش از ابن عربی، غالباً به مسئله ایمان فرعون توجه نشده است و بحثی در تأیید یا عدم تأیید ایمان او وجود ندارد و پیشینیان ابن عربی عدم پذیرش ایمان او را قطعی و مسلم می‌دانسته‌اند و تنها می‌کوشیده‌اند که وجوه این عدم پذیرش را نشان دهند.

فراء (د. ۲۰۷ق)،^۴ ابو عبیده (د. ۲۰۹ق)^۵ و عبدالله بن یحیی یزیدی (د. ۲۳۷ق)^۶، دینوری (د. ۳۰۸ق)^۷ هیچ اشاره‌ای حتی به روایات جبرئیل و حکمت نجات جسد فرعون نکرده‌اند. در میان مفسران قرن سوم، صنعانی (د. ۲۱۱ق) تنها نخستین قسمت روایت جبرئیل مبنی بر افکندن ریگ دریا در دهان فرعون اشاره دارد و قسمت دوم روایت را که حاکی از اندوه جبرئیل از ترس نافرمانی خداوند در این امر و خوشحالی‌اش پس از نزول

۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المثلثون فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۱۵.

۲. میرزای قمی، سه رساله در نقد عرفان، صص ۱۴۵-۱۴۸.

۳. همان، ص ۱۴۸.

۴. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، محقق: محمدعلی نجار، احمد یوسف نجاتی، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، چ دوم، ۱۹۸۰م، ج ۱، ص ۴۷۸.

۵. ابو عبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، محقق: فؤاد سزگین، قاهره، کتبه الخانجی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۲۸۰.

۶. یزیدی، عبدالله بن یحیی، غریب القرآن و تفسیره، محقق: الحاج، محمد سلیم، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق، ص ۱۷۲.

۷. دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۵۰.

آیات برخی از آیات مرتبط را نیاورده است. او هم چنین علت نجات بدن فرعون را بنا بر روایات انکار مرگ و عذاب او از جانب دسته‌ای از مردم می‌خواند و خداوند او را نجات داده تا موعظه باشد برای دیگران.^۱ پس از او در متون تفسیری به روایت جبرئیل و حکمت بیرون افکنده شدن جسد از دریا بیشتر توجه می‌شود. طبری (د. ۳۱۰ق)،^۲ نحاس (د. ۳۳۸ق)،^۳ سمرقندی (د. ۳۹۵)،^۴ ابن ابی حاتم (د. ۳۲۷ق)^۵ و ثعلبی (د. ۴۲۷ق)^۶ به مجموعه‌ای از روایات از جمله دو روایت مذکور اشاره دارند، اما وارد بحث پذیرش یا عدم پذیرش ایمان او نمی‌شوند.

طبرانی (۳۶۰ق) بر روایت خاک پاشیدن جبرئیل بر دهان فرعون اشکال وارد می‌کند، اما باز ایمان فرعون را ایمان انجاء (احتمالاً الجاء) و بی‌فایده می‌خواند.^۷ بعدها فخر رازی عین سخنان طبرانی را نقل می‌کند و آن را می‌پذیرد. هم‌چنین واحدی (د. ۶۸ق)^۸ به عدم نفع ایمان فرعون در هنگامه یأس و معاینه عذاب و نیز بیرون افکنده شدن جسد فرعون به جهت احتمال انکار مرگش اشاره می‌کند. دو مفسر بزرگ شیعی، یعنی طبرسی (د. ۵۴۸ق)^۹

۱. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر القرآن العزیز، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۶۱.
۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، صص ۱۱۱-۱۱۲.
۳. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن، حاشیه‌نویس: عبدالمنعم خلیل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۵۷.
۴. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحرالعلوم، محقق: عمر عمروی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۳۰.
۵. ابن‌ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، محقق: اسعد محمد طیب، اسعد محمد، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ج سوم، ص ۶، ۱۹۸۴.
۶. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان، محقق: ابی محمد بن عاشور، مراجعه و تدقیق: نظیر ساعدی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، صص ۱۴۷-۱۴۹.
۷. طبرانی، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۴۰۸.
۸. واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۰۷.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۵، صص ۱۹۸-۱۹۹.

و طوسی (د. ۴۶۰ق)^۱ نیز ایمان فرعون را ایمان الجاء و در لحظه نزول عذاب را بی‌فایده می‌دانند.

۳. **اجماع مفسران صوفی بر معذب بودن فرعون:** مفسران صوفی مشرب نیز به مسئله ایمان فرعون توجهی نداشته‌اند. تستری (د. ۲۸۳ق) در تفسیر آیات نخستین سوره مبارکه بقره به نافع نبودن ایمان در هنگامه معاینه عذاب با اشاره با داستان فرعون تصریح می‌کند.^۲ قشیری (د. ۴۶۵ق) معتقد است استعاذه فرعون در حین هلاک شدنش از روی حيله بوده است و این استعاذه به دلیل فوت وقت اختیار و انقضای وقت اعتذار نافع نیست.^۳ میدی (د. ۵۳۰ق) تفاسیر مربوط به داستان موسی در سوره بقره بر عذاب فرعون و عدم پذیرش ایمان او بنا بر آیات «فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا» و «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ» تصریح می‌کند^۴ و روزبهان (د. ۶۰۶ق) در جایی از تفسیرش به بی‌فایده بودن ایمان در هنگام ابتلا اشاره می‌کند.^۵

البته پیش از ابن عربی، دو شخصیت برجسته صوفی، یعنی حلاج و روزبهان بقلی را می‌توان یافت که ستایشگر فرعون بوده‌اند، اما آن دو نیز به هیچ روی از نجات او و ایمانش سخن نگفته‌اند. حلاج گفته است که اگر از دعوی خویش باز می‌گشته، از بساط فتوت خارج می‌شده است و در این امر مانند ابلیس و فرعون ثبات قدم بوده است. او ابلیس و فرعون را صاحب و استاد خود می‌خواند. در نظر او ابلیس را از آتش می‌ترسانند، اما از دعوی خود باز نمی‌گردد؛ فرعون را در دریا غرق می‌کنند، اما از دعوی خود باز نمی‌گردد و

۱. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، صص ۴۲۷-۴۲۹.

۲. تستری، سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، محقق: عیون سود، محمد باسل، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۳ق، ص ۲۶.

۳. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الاشارات، محقق: ابراهیم بسینوی، قاهره، الهیئة المصریة العامة للكتاب، ۲۰۰۰م، چاپ سوم، ج ۲، ص ۱۱۴.

۴. میدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، چ پنجم، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۸۶.

۵. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر، عرائس البیان فی حقائق القرآن، محقق: مزیدی، احمد فرید، بیروت، الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۸م، ج ۱، ص ۴۵۷.

به وسایط اقرار نمی‌کند و می‌گوید: «آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ [یونس: ۹۰]»، لذا خداوند با جبرئیل در شأن او معارضه می‌کند که چرا دهانش را پر از رمل کردی؟ حلاج به تاسی از ابلیس و فرعون می‌گوید که اگر او را بکشند یا برآویزند یا دست و پای ببرند، از دعوی خود باز نمی‌گردد،^۱ هم‌چنین منقول است که از وی عقیده‌اش را در باب سخن فرعون پرسیده‌اند و او آن را سخن حق خوانده است، سپس درباره موسی از او می‌پرسند و آن را نیز سخن حق می‌داند و دلیلش را در ابد و ازل جاری شدن هر دو سخن می‌خواند.^۲

پس از حلاج شیخ شطاح، «روزبهان بقلی» کوشیده سخنان حلاج را تبیین کند. به عقیده او شواهد ربوبیت از نفس فرعون بر او هویدا شده، لذا او در نفس خود افتاده، پنداشته که بعینه شواهد حق است؛ پس به رؤیت ربوبیت از رب محجوب شده و خود را شاهد ربوبیت دیده و شاهد را مشهود پنداشته، لذا گفته است: «مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي». از این روی، به سبب جهل قوم خود ادعای ربوبیت می‌کند و دلیلش استقامت او در رؤیت شواهد بوده است، لذا در وقت نزع به وسایط مقرر نمی‌شود، زیرا می‌پندارد که شاهد مشهود است؛ با جهل از دنیا می‌رود و حقیقت توحید را نمی‌فهمد.^۳

چنان‌که ملاحظه می‌شود در همه تفاسیر پیش از ابن عربی، کسی در عدم پذیرش ایمان فرعون تردید نکرده است و حتی فخر رازی نیز که معمولاً همه وجوه و احتمالات را مطرح می‌کرده، تردیدی در این خصوص ندارد. با این وصف سخن ابن عربی درباره ایمان فرعون امری شاذ و نادر و خلاف اجماع مفسران و علمای اسلام است و حتی مفسران صوفی نیز چنین احتمالی (یعنی پذیرش ایمان فرعون) به ذهنشان خطور نکرده است.

نکته دیگر آن‌که البته ابن عربی در همه جای آثارش بر مدعای خود پایدار نبوده است و این نشانه قوت آیات در انکار ایمان فرعون است. ابن عربی در بخش‌هایی از آثار خود،

۱. حلاج، حسین بن منصور، دیوان الحلاج، تصحیح محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیة،

۲۰۰۲م، صص ۱۰۳-۱۰۴.

۲. همو، مجموعه آثار حلاج، تحقیق و تصحیح قاسم میرآخوری، تهران، انتشارات شفیعی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۲۵.

۳. بقلی شیرازی، روزبهان شرح شطحیات، تصحیح هانری کرین، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۴ش،

صص ۳۷۴-۳۷۹.

فرعون را اهل دوزخ نیز می‌خواند. در باب ۶۲ فتوحات وقتی از مراتب اهل دوزخ سخن می‌گوید، فرعون را از شمار مجرمان می‌خواند. او درباره «وَ اَمْتَاؤُا الْیَوْمَ اَیُّهَا الْمُجْرِمُونَ [یس: ۵۹]»، مجرمان را از خاصان دوزخ برمی‌شمرد که بنا بر شواهد قرآنی، راه خروجی از آن ندارند.^۱ هم‌چنین در جایی دیگر از فتوحات، عالم را دلیل بر وجود خدا می‌داند و فرعون و مانند او را دلیل بر وجود صانع می‌خواند؛ زیرا آن‌ها صنع اویند؛ اما تذکر می‌دهد که این دلالت بر وجود حق و آیه بودن فرعون برای حق، احترام او را واجب نمی‌کند، بلکه دشمنی با او و امثال او و عدم حرمت وی واجب است و در مقابل، احترام و تعظیم موسی را نیز امری واجب می‌خواند، زیرا شارع به آن دستور داده است.^۲

او در جایی از فتوحات تصریح می‌کند که «أنا ربکم الأعلى» در حقیقت سخن خداوند بوده است که بر زبان فرعون جاری شده است؛ خداوند نیز که از عبرت برای اهل خشیت در اخذ فرعون [نازعات: ۲۵] سخن گفته است، برای عبرت عالمان است؛ زیرا تنها عالمان اهل خشیت‌اند [فاطر: ۲۸].^۳ در نگاه اول این پندار به ذهن می‌رسد که احتمالاً ابن‌عربی در این نظر، در موضعی دیگر (مثلاً موضع فقهی یا کلامی) به قضاوت درباره فرعون پرداخته است؛ اما چنین نیست، بلکه با تکیه بر همان چارچوب معرفتی‌اش داستان را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کند که از آن ذم فرعون نتیجه می‌شود. او عالم را اهل اعتبار می‌داند زیرا عالم می‌داند که فرعون آن سخن را به نیابت از حق گفته است. چون فرعون در آن سخن از نیابت غایب بود، صفت، موصوفش را طلبید و به حق بازگشت و فرعون از آن بیگانه ماند، فرعون هرگز اهل آن سخن نبود؛ زیرا خداوند بر قلب هر متکبرِ جبّاری مهر می‌زند تا در دایره کبریایی او وارد نشود. آن وصفی که فرعون خود را بدان موصوف کرد، جز برای کسی که تقیید ندارد شایسته و سزاوار نیست، لذا جزای فرعون غیبتش از این مقام بود، پس حق او را در تقییدش بازداشت: «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى».^۴ ابن‌عربی در ادامه سخن خود می‌گوید که مردمان می‌پندارند منظور از «الاولی» در این آیه، دنیاست و آن برای گفتن

۱. ابن‌عربی، فتوحات المکیة، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲. همان، ص ۴۴۳.

۳. همان، ص ۵۳۶.

۴. همان.

«ما علمت لكم من اله غيري» بود و منظور از «الآخرة»، آخرت است، یعنی آینده و آن برای «انا ربكم الاعلی» گفتنش بود؛ اما او می‌پندارد که خداوند او را به عذاب دنیا و آخرت در «اولی» بگرفت و فرعون بر این امر آگاه بوده است؛ یعنی خدا او را آگاه کرده بود بر آن چه در گرفتن او بود از اطلاقی که ادعا می‌کرد به تقییدی که عبارت از نکال و عذاب بود.^۱

۵. ۲. بررسی نافع بودن یا نبودن ایمان آوردن در هنگامه نزول عذاب

اغلب مفسران رسمی به خلاف ابن عربی نپذیرفته‌اند که «هر ایمان آورنده‌ای رستگار است»، بلکه به اعتقاد آنان بر مبنای آیات قرآن «بعضی از ایمان‌آوردگان رستگارند». چنان‌که گفته شد آیات ۹۸ سوره یونس است که بر مبنای آن، جز قوم یونس ایمان‌آوردگانی که در هنگام نزول عذاب ایمان بیاورند، رستگار نیستند^۲ و آیتی از سوره غافر که نفع نداشتن ایمان در هنگامه دیدن عذاب را سنت خداوند می‌خواند مستند آنان است.

جالب آن‌که آیه ایمان فرعون تنها چند آیه پس از آیه استثنای قوم یونس از عذاب الهی آمده است و اگر این سنت الهی را که به صراحت در قرآن بدان اشاره شده، بپذیریم کبرای استدلال ابن عربی باطل می‌شود و با بطلان کبرا، نتیجه او یعنی رستگاری و نجات فرعون نیز باطل می‌شود، به‌ویژه آن‌که ایمان فرعون نیز ایمان در لحظه نزول عذاب بوده است. به این استدلال در کلمات امام رضا(ع) نیز اشاره شده است.^۳

ابن عربی برای دفع این اشکال دو پاسخ دارد: نخست آن‌که عذاب را به قسم اخروی و دنیوی تقسیم می‌کند و می‌پذیرد که بر اساس آیه ۹۸ سوره یونس، عذاب دنیوی از فرعون دور نشد، اما او به‌واسطه ایمانش از عذاب اخروی نجات یافت. دومین پاسخ او که عجیب هم به نظر می‌رسد، آن است که ایمان فرعون ایمان در حین عذاب نبوده است.

۱. همان.

۲. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، اعداد مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، صص ۲۹۵-۲۹۸.

۳. میرزای قمی، سه رساله در تقد عرفان، صص ۱۴۴-۱۴۷.

۵. ۲. ۱. تفکیک عذاب دنیوی از عذاب اخروی

ابن عربی عذاب را به دو قسم دنیوی و اخروی تقسیم می‌کند و معتقد است در آیه مذکور منظور از نافع نبودن ایمان (در حالت یأس و جان دادن در حالت عذاب، مگر برای قوم یونس)، نافع نبودن ایمان در رفع عذاب دنیوی است و چنین ایمانی در آخرت برای صاحبش نافع و موجب رستگاری و نجات اوست. در حقیقت ایمان آنان نافع نبوده چون دافع عذاب دنیا از آنان نشده مگر برای قوم یونس و این استثنا در قول خداوند، دلیل بر عدم نفع در دنیا است، نه در آخرت. لذا فرعون با وجود ایمان آوردن به خداوند، عذاب شد و عذاب او نشانه سودبخش نبودن اخروی و رستگار نشدن او نیست.^۱

در این جا دو پرسش پیش می‌آید: نخست آن که آیا چنین تفریقی در میان دو عذاب دنیوی و اخروی، در خود قرآن صورت گرفته است؟ و دوم آن که آیا بنا بر منطق قرآن کریم ممکن است قومی در دنیا عذاب شوند و در آخرت رحمت بیابند؟

پاسخ پرسش اول آن است که چنین تفریقی در قرآن کریم رخ داده است و خداوند عذاب دنیا را از آخرت جدا کرده است؛ حداقل سه نمونه روشن از چنین تفکیکی را می‌توان در آیات «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ [فصلت: ۱۶]» و «لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ [رعد: ۳۴]» و آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ [بقره: ۱۱۴]» مشاهده نمود. صراحت آیات به گونه‌ای است که جایی برای تردید باقی نمی‌گذارد.

اما در مورد پرسش دوم حتی یک مورد نمی‌توان یافت که خدا قومی را در دنیا عذاب کند، اما سخن از بهروزی آنان در آخرت براند، بلکه حتی گاه عذاب دنیوی مقدمه عذاب سخت‌تر در آخرت تلقی می‌شود؛ برای مثال حتی یک مورد از موارد متعدد آیات عذاب یافت نمی‌شود که در آن آمده باشد که ما این قوم را به واسطه اعمالشان در دنیا عذاب می‌کنیم، اما در آخرت رستگار خواهند بود؛ با این وصف احتمال آن که تنها در مورد فرعون

۱. ابن عربی، فصوص الحکم، صص ۲۱۱-۲۱۲.

بتوان چنین وضعیتی را متصور بود، دور از ذهن می‌نماید. منطبق آیات عذاب نیز نشان از هم‌سویی عذاب دنیا و آخرت دارد. با این وجود امکان آن‌که تنها در مورد فرعون، عذاب دنیوی با سعادت اخروی هم‌سو شده باشد، با آن‌که بسیار بعید است اما کاملاً منتفی نیست.

۵. ۲. ۲. ایمان فرعون، ایمان هنگامه نزول عذاب

پاسخ دوم ابن‌عربی به اشکال احتمالی منتقدانش آن است که ایمان فرعون ایمان در هنگامه عذاب نبوده است تا بنا بر آیه ۹۸ سوره یونس نافع و سودبخش نباشد و فرعون عبور مؤمنان از راه خشک ایجاد شده در دریا را مشاهده کرده، لذا در حالت ایمان آوردن، بر هلاک خویش یقین نداشته است و به جهت یقین به نجات، ایمان آورده است. به عقیده ابن‌عربی ایمان آوردن فرعون، از جنس ایمان آوردن مغرغر (محتضر) نبوده، زیرا مغرغر به مرگ خود ایمان دارد، اما فرعون چون دریا را برای مؤمنین خشک دید و دانست علتش ایمان مؤمنان است، به مرگ خود یقین نداشت و در گمانش حیات بر مرگ غلبه داشت؛ لذا او در امید به حیات ایمان آورده است.^۱ این پاسخ ابن‌عربی نیز به دلیل صراحت «حَتَّى إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ...» اشکال دارد و سخن ابن‌عربی مخالف نص شریف است و هم‌چنین با سخن خود ابن‌عربی که ایمان فرعون را ایمان مضطر می‌خواند، تعارض دارد.

هم‌چنین به عقیده ابن‌عربی در آیه ۹۸ یونس، هیچ نشانه‌ای از قبول نشدن ایمان ایمان‌آوردگان و برطرف نشدن عذاب اخروی از آنها نیست؛ بلکه در آیه آمده که عذاب دنیا از کسی که در حال مشاهده عذاب ایمان بیاورد، برداشته نمی‌شود، مگر برای قوم یونس. در مورد فرعون نیز عذاب تنها به ظاهرش تعلق گرفت و در آخرت رستگار خواهد بود. این سخن ابن‌عربی به شرط آن‌که نافع بودن ایمان را در رستگاری ندانیم و این در حالی است سودبخشی ایمان به نجات و رستگاری مؤمن است نه به رفع عذاب جسمانی و دنیوی از او و در متن آیه مذکور از نافع نبودن ایمان سخن رفته است.

چنان‌که نشان داده شد هر دو پاسخی که ابن‌عربی به اشکال وارد بر کبرای استدلالش می‌دهد، خدشه‌پذیر است. اولاً تفکیک میان عذاب دنیوی و اخروی و احتمال نزول عذاب

۱. همو، الفتوحات المکیة. ج ۲، ص ۴۰۴.

دنیوی و وجود سعادت اخروی برای کسی، بعید و از منطبق قرآن به دور است. هم‌چنین ایمان فرعون را ایمان در لحظه عذاب ندانستن، هم با نص شریف و هم با سخن خود ابن عربی که ایمان فرعون را ایمان مضطر می‌خواند، در تعارض است.

۵. ۲. ۳. منوط بودن ایمان به اذن الهی

علاوه بر آیاتی که ایمان در لحظه نزول عذاب بی‌فایده می‌دانند، در همین سوره یونس و پیش از آیه ایمان فرعون، به صراحت به مطلبی مهم دیگری در فهم مسئله ایمان اشاره شده است و آن این است که هیچ کس توان ایمان آوردن ندارد مگر به اذن خداوند: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ [یونس: ۱۰۰]».

این آیه به مخاطب می‌فهماند که پای اذن الهی در میان است اما احتمالاً این اذن، تکوینی باشد و کسی نمی‌تواند ایمان بیاورد مگر آن‌که مشمول این اذن تکوینی شود، زیرا ایمان چیزی جز حصول اطمینان قلبی نیست. از منوط بودن ایمان به اذن الهی هم می‌توان به نفع نظریه ایمان فرعون سود جست و هم علیه آن و عملاً قضاوت در این باره بی‌تأثیر خواهد بود. موافقان ایمان فرعون می‌توانند با تکیه بر این آیه بگویند که ایمان منوط به اذن خداست، بنابراین فرعون وقتی ایمان آورده و خداوند هم با آیه «الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ»، ایمان او را تأیید کرده است، بنابراین از جانب خدا عنایتی و اذنی برای ایمان داشته است. در آن سو مخالفان نیز می‌توانند بگویند این آیه آمده تا بگوید هر اظهار ایمانی، دلیل بر نجات نیست و اذن خداوند برای ایمان، به معنای پذیرش اوست و ایمان فرعون بنا بر آیه «الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ» مورد پذیرش خداوند قرار نگرفت.

۵. ۳. بررسی حقیقی نبودن یا اصیل نبودن یا کامل نبودن ایمان فرعون

در حقیقت در این تفسیر، صغرای استدلال رستگاری فرعون، محل اشکال است. چنان‌که پیشتر نشان داده شد، ابن عربی معتقد بود که بنا بر آیات قرآن اظهار ایمان فرعون حقیقی بوده، زیرا در پاسخ به این اظهار ایمان، ایمان وی با عبارت «الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ [یونس: ۹۱]» انکار نشده، بلکه تصدیق شده است و این آیه بر اخلاص او در ایمانش دلالت دارد و اگر فرعون در سخنش اخلاص نداشت، خداوند او را مانند اعرابی که

مدعی ایمان می‌شدند، مورد خطاب قرار می‌داد و می‌گفت «قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ [حجرات: ۱۴]»؛ بنابراین خداوند به ایمان فرعون شهادت داده، در حالی که درباره صدق توحید احدی شهادت نداده است.^۱ در مقابل عده‌ای از مفسران بر آن بوده‌اند که اساساً فرعون در ایمانش صادق نبوده است، برخی نیز اعتقاد داشته‌اند اظهار ایمان او تقلیدی بوده و تحقیقی نبوده است، برخی نیز ایمان او را به دلیل آن‌که خالی از شهادت به رسالت است ناقص دانسته‌اند. در زیر به این سه نظریه می‌پردازیم.

۵. ۳. ۱. حقیقی نبودن ایمان فرعون

ماتریدی (د. ۳۳۳ق)، ایمان فرعون را غیر حقیقی و لذا نامقبول دانسته و دلایلی را بنابر آیات قرآن برشمرده است: نخست آن‌که ایمان او احتمالاً ایمان از روی ترس و برای دفع خطر بوده باشد، مانند ایمان کافران در آخرت در هنگامه رؤیت عذاب خداوند که قرآن از آن‌ها خبر داده است و سپس درباره آن‌ها فرموده که اگر بازگردند به همان صورت که بوده‌اند، عمل خواهند کرد. دوم آن‌که ایمان و اسلام تسلیم نفس به خداوند است، پس چون در وقت از دست دادن نفس ایمان آورده شود، نفسی در اختیار فرد نیست که تسلیم خداوند شود تا ایمان حقیقی صورت ببندد و به همین دلیل در این وقت این ایمان مقبول نیست. سوم آن‌که ایمان به خداوند با استدلال از امر مشهود به امر غایب ممکن می‌شود، حال آن‌که در آن حالتی که فرعون اظهار ایمان کرده است، چون تفکر ممکن نبوده، چنین استدلالی ناممکن بوده است، لذا ایمان او حقیقی نیست.^۲

دلیل اول پذیرفتنی نیست، زیرا ایمان، ایمان است چه از روی ترس باشد و چه از روی طمع، مگر آن‌که بگوییم فرعون به دروغ اظهار ایمان کرده است که این هم بنابر تصریح عبارت «الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ» پذیرفتنی نیست. دلیل سوم نیز سست است زیرا در سنت اسلامی، ایمان امری قلبی است. البته ممکن است مقدمه پدید آمدن ایمان در قلب، استدلال و برهان باشد، اما لزوماً ایمان برآمده از استدلال نیست، لذا این‌که بگوییم چون در

۱. ابن عربی، الفتوحات المکیة، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون،

۱۴۲۶ق، ج ۶، صص ۸۰-۸۱

آن لحظه فرعون در حالتی نبوده است که تفکر و تأمل برهانی داشته باشد، لذا ایمانش حقیقی نیست، صحیح به نظر نمی آید.

بر خلاف دلایل اول و سوم، بر دلیل دوم ماتریدی نمی توان اشکال وارد کرد و مفسر بزرگ شیعه، طبرسی، نیز قولی مانند دلیل دوم ماتریدی دارد و معتقد است که چون در هنگامه مرگ، تکلیف زائل می شود، ایمان در آن دم مقبول نیست،^۱ و قاعدتاً مراد از مقبول نبودن، سودبخش نبودن است برای ایمان آورنده، و گرنه چنان که گفتیم ایمان مانند توبه نیست که قبول در آن شرط باشد. دلیل دوم ماتریدی منافاتی با تفسیر دوم از آیه ایمان فرعون ندارد و بیانگر سبب نافع نبودن ایمان در لحظه نزول عذاب است و می توان آن را با تفسیر دوم جمع کرد.

۵. ۳. ۲. تقلیدی بودن ایمان فرعون

درباره تقلیدی بودن ایمان فرعون نیز باید بحث ابن عربی تحت عنوان توحید صله را به یاد آورد. او در فصلی از فتوحات با استناد آیه ایمان فرعون، توحید او را «توحید صله» در معنای نحوی، می خواند؛ و معتقد است فرعون متعلق ایمان خود را مانند سحره که گفتند «أَمَّنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ [شعراء: ۶۶-۷]»، با «الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ» مشخص نموده تا اشتباه از شنوندگان مرتفع شود. بر خلاف او برخی از قداما معتقد بوده اند که ایمان فرعون صحیح نبوده زیرا تقلیدی محض بوده است و او در هنگامه اظهار ایمان می گوید: «إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ» و گویا اعتراف می کند به آن که خداوند را نمی شناسد، بلکه از بنی اسرائیل شنیده است عالم خدایی دارد، پس بدان خدا که بنی اسرائیل به وجودش معترف اند ایمان آورده است و چنین ایمانی محض تقلید و ناپذیرفتنی است و در این سخن او انکار آن چه پیشتر بر آن بوده، از نفی صانع و ادعای الوهیت برای نفس خود، چیزی بیشتر وجود ندارد.^۲ به عقیده این عده در اظهار ایمان سحره اشکال تقلیدی بودن وارد نیست زیرا آنان گفتند که رب العالمینی ایمان آورده اند که رب موسی و هارون

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۱۱.

۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۷۲.

است.^۱ برخی نیز گفته‌اند چون بنی اسرائیل به خدایی موصوف به حلول و نزول و جسمانیت ایمان داشتند و فرعون گفت به خدای آن‌ها ایمان آورده (بر خلاف ساحران که گفتند به خدای موسی و هارون ایمان آورده‌اند)، ایمانش مقبول واقع نشده است.^۲ این تقریر از آیه دور از ذهن است، زیرا اولاً فرعون در بخش پایانی آیه می‌گوید «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» و خود را تسلیم خدایی می‌خواند جز او نیست و بنی اسرائیل بدو ایمان داشته‌اند، ثانیاً در آیه بعد ایمان او خداوند با عبارت «الآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» تلویحاً تأیید شده است.

۵. ۳. ۳. ناقص بودن ایمان فرعون

درباره کامل نبودن ایمان فرعون، برخی از گذشتگان بر آن بوده‌اند که علت سودبخش نبودن ایمان فرعون برای نجات و رستگاری‌اش آن بود که تنها به خداوند ایمان آورد و ایمان به خداوند، بدون ایمان به رسول نجات‌بخش نیست. به عقیده اینان حتی اگر بپذیریم ایمان فرعون به خداوند صحیح بوده است، او بنابراین آیات به موسی ایمان نیاورده است، پس ایمانش نافع نخواهد بود، چنان‌که کافر اگر هزاران بار بگوید «أشهد أن لا إله إلا الله» یا «الذی آمن به المسلمون» مؤمن نیست تا آن‌که بگوید «وَأَن مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ». جالب آن‌که در اظهار ایمان ساحران که ابن عربی آن را شبیه اظهار ایمان فرعون دانسته، اظهار ایمان به پیامبر نهفته است زیرا می‌گویند به خدای موسی و هارون ایمان آورده‌اند حال آن‌که فرعون بنی اسرائیل را در متن سخنش ذکر می‌کند و از موسی و هارون یاد نمی‌کند.^۳

به نظر می‌رسد که دقت در قسمت پایانی آیه ایمان فرعون این ایده را نقض کند. فرعون در آن‌جا می‌گوید «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» و روشن است که مراد از تسلیم شدن، تسلیم فرمان خداوند شدن است و فرمان خدا از طریق رسول ابلاغ می‌شود. به عبارت دیگر فرعون تنها اظهار ایمان نکرده، بلکه تلویحاً اظهار تسلیم به فرمان خداوند که از طریق رسول ابلاغ می‌شود، نیز کرده است؛ پس همان‌گونه که در اظهار ایمان ساحران، اظهار ایمان

۱. «أما رب العالمین* رب موسی و هارون [اعراف: ۱۲۰-۱۲۱؛ شعرا: ۴۷-۴۸]»

۲. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۷، ص ۲۹۶.

۳. همان، ج ۶، ص ۱۰۲.

به پیامبر بوده است، در اظهار ایمان فرعون نیز تلویحاً اظهار ایمان به رسولش بوده است. ایمان امری قلبی است و بدون اسلام که به ساحت عمل ارتباط دارد، کامل نیست، به همین دلیل ایمان به خداوند با ایمان به رسول که نتیجه اش تسلیم است، کامل می شود و فرعون ضمن اظهار ایمان، خود را تسلیم امر خداوند نیز خوانده است و بنابراین ایمان او کامل است.

نتیجه

چنان که نشان داده شد، در قرآن آیاتی وجود دارد که احتمال دلالت آن‌ها بر عذاب اخروی و دنیوی برای فرعون بیش از احتمال دلالت بر عذاب دنیوی و سعادت اخروی است. هم چنین قرآن در همان سوره ای که آیه ایمان فرعون در آن آمده، به دعای موسی و استجابت دعایش برای رستگار نشدن فرعون و مواردی مانند اشاره شده است که تفسیر نخست را تضعیف می کند. علاوه بر این صفاتی بسیار منفی با دلالت بر دوام آن صفات به فرعون نسبت داده است. در تفسیر سوم حقیقی نبودن ایمان فرعون، به دلیل صراحت آیات بر ایمان آوردن فرعون و تأیید ایمانش با عبارت «الآن وَقَدْ...» قابل اعتنا نیست. هم چنین تقلیدی بودن ایمان فرعون یا کامل نبودن ایمان او به دلیل ایمان نیاوردن به نبی عصرش به دلیل عبارت پایانی آیه ایمان فرعون (یعنی «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ») پذیرفتنی نیست. سخن صریح قرآن بر بی فایده بودن ایمان در حین نزول عذاب نشان می دهد که تفسیر دوم یعنی ایمان آوردن فرعون اما سودبخش نبودن ایمانش برای رستگاری اش پذیرفتنی تر است. کثرت روایات و منقولات صحابه مبنی بر دوزخی بودن فرعون، و نیز اجماع مفسران رسمی و صوفی از همه مذاهب، بر کفر فرعون نشان می دهد که مسلمانان نخستین چنان قرآن را می فهمیده اند، که پذیرش رستگاری فرعون برایشان ممکن نبوده است.

منابع

- قرآن کریم.
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، مصنفات شیعه: ترجمه و تلخیص الذریعة الی تصانیف الشیعة، به اهتمام محمد آصف فکرت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ابراهیم شمس الدین،

- محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
- ابن عربی، محیی الدین، *فصوص الحکم*، تصحیح و تعلیق ابو العلاء عفیفی، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۵ش.
 - ابن عربی، محیی الدین، *الفتوحات المکیة*، بیروت، دار الصادر، بی تا.
 - ابن فارس، احمد، *مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، ۱۴۰۴ق.
 - ابن کمال باشا، احمد بن سلیمان، *خمس رسائل فی الفرق و المناهب*، تحقیق سید باغجوان، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۵ق.
 - ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق اسعد محمد طیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفى الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
 - ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *تفسیر غریب القرآن*، شرح ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۴۱۱ق.
 - ابو عبیده، معمر بن مثنی، *مجاز القرآن*، تحقیق فؤاد سرگین، قاهره، کتبه الخانجی، ۱۳۸۱ش.
 - ابو عزیز، سعد یوسف، *الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر قادیماً و حادیثاً*، قاهره، المکتبه التنوفیة، بی تا.
 - اشرف امامی، علی و شرفایی مرغکی، محسن، «دیدگاه های عبدالوهاب شعرانی درباره آراء محیی الدین ابن عربی»، *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، بهار و تابستان؛ شماره ۸۸، ۱۳۹۱ش.
 - تستری، سهل بن عبدالله، *تفسیر التستری*، تحقیق محمد باسل عیون سود، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۳ق.
 - ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، تحقیق ابی محمد بن عاشور، مراجعه و تدقیق نظیر ساعدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
 - حلاج، حسین بن منصور، *مجموعه آثار حلاج*، تحقیق و تصحیح قاسم میر آخوری، تهران، انتشارات شفیع، ۱۳۸۶ش.
 - حلاج، حسین بن منصور، *دیوان الحلاج*، تصحیح محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۲م.
 - دینوری، عبدالله بن محمد، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۴ق.
 - رازی، محمد بن ابی بکر، *معجم مختار الصحاح*، محمد نبیل طریفی، بیروت، دار صادر، ۱۴۲۹ق.
 - روزبهان بقلی شیرازی، روزبهان بن ابی نصر، شرح شطحیات، تصحیح هانری کربن، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۴ش.
 - روزبهان بقلی شیرازی، روزبهان بن ابی نصر، *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، تحقیق احمد فرید مزیدی،

- بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۸م.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
 - سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، محقق: عمر عمروی، بیروت، دار الفكر، ۱۴۱۶ق.
 - سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
 - شعرانی، عبدالوهاب، *البیواقیت و الجواهر فی بیان عقاید الاکابر و باسغله الکبریت الاحمر فی بیان علوم الشیخ الأكبر*، بیروت، ۱۴۱۸ق.
 - صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۱ق.
 - طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، اردن، اربد، دار الكتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
 - طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: فضل الله یدزی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
 - همو، *تفسیر جوامع الجامع*، مصحح: ابوالقاسم گرجی، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ق.
 - طبری، محمد بن جریر، *ترجمه تفسیر طبری*، تصحیح حبیب یغمایی، تهران، توس، چاپ دوم، ۱۳۵۶ش.
 - طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
 - طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، مصحح: احمد حبیب عاملی، مقدمه نویسن: محمد محسن آغابزرک الطهرانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
 - فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، اعداد: مکتب تحقیق دار احياء التراث العربی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم.
 - فراء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، محقق: محمدعلی نجار، احمد یوسف نجاتی، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ دوم، ۱۹۸۰م.
 - فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *قاموس المحيط*، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۹۹۵م.
 - قشیری، عبدالکریم بن هوازن، *لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم*، محقق: بسینی، ابراهیم، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ سوم، ۲۰۰۰م.
 - ماتریدی، محمد بن محمد، *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ق.
 - مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، محقق: شحاته، عبدالله محمود، بیروت، دار إحياء التراث

- العربی، ۱۴۲۳ق.
- میبیدی، احمد بن محمد، *كشف الاسرار و عدة الابرار*، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
 - میرزای قمی، ابوالقاسم بن حسن گیلانی، *سه رساله در نقد عرفان*، تصحیح حسین لطیفی و سید علی جبار گلباغی ماسوله، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش.
 - نحاس، احمد بن محمد، *اعراب القرآن*، تحقیق عبدالمنعم خلیل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱ق.
 - واحدی، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵ق.
 - یزیدی، عبدالله بن یحیی، *غریب القرآن و تفسیره*، تحقیق محمد سلیم الحاج، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.